

است که آنها زنده هستند و اگر زنده هستند آیا کار دیگری جز جواب دادن و مکالمه با ما ندارند.

برای چه وقتی که میخواهند بسئالات ما جواب بدهند این قدر شك و تردید و دو دلی دارند؟ ... و برای چه در موقع ادای پاسخ این قدر تمجیح میکنند و کلمات را بریده و جویده ادا مینمایند و حتی در جواب ساده‌ترین و کوچک‌ترین سئوالها آن قدر تردید و احتیاط و ترس و تاخیر بخرج میدهند که صبورترین اشخاص را خسته و بیزار میکنند؟

آیا این اموات که در دنیای دیگر هستند زندگی جدیدی را آغاز کرده‌اند یا دنباله همین زندگی زمینی است که آنها در دنیای دیگر ادامه میدهند؟

برای چه کوچکترین سئوال ما آنان را اینقدر مجذوب می‌نماید که از اطراف سرپدر آورده و اطراف سئوال ما جمع میشوند و تازه مثل اشخاص لال و یا کسانی که از فرط وحشت و ناامیدی زبانشان به لکنت افتاده صحبت میکنند.

مثلا در همین مورد علت مرك طفل دهساله ارواح میتوانستند با ده پاترده کلمه صریح و مشخص علت را بیان نمایند و معذالك مدت یازده جلسه طولانی و آنها در طی ششماه طول کشید تا ارواح آهسته آهسته و جویده و بریده کلماتی را بر زبان آوردند و علت مرك کودک دهساله را که خوردن آب آلوده بود بیان نمودند.

«در بتون طوماس» در آخرین جلسه مکالمه با ارواح پرسیده بود که شما برای چه اینقدر با تردید و دو دلی و تمجیح صحبت می‌کنید و برای چه صاف و صریح مطالب خود را نمیگوئید و ارواح در جواب گفته بودند:

« قسمت های مختلف مطالبی که ما میخواهیم بمیانجی بگوئیم عینا شبهه به قسمت های مختلف يك جدول حروف متقاطع است و مادر حدود فکر و قوه استنباط میانجی این مطلب را باو میگوئیم و بدوا یکی از کلمات این جدول حروف متقاطع را باو فرو میخوانیم و همینکه دیدیم که فکر او برای استنباط کلمات دیگری آماده گردید

آنوقت کلمات دیگری را باو میفهمانیم و باین طریق آهسته آهسته میانجی از مطالب ما مطلع شده و باشخاص زنده میگوید و سرعت انتقال فکر ما باشخاص زنده مربوط باستعداد و نیروی مغناطیسی میانجی است و البته استعداد آن شخصی هم که سؤال می کند در تسریع ارسال پیام تاثیر دارد»

ولی این توضیحی که ارواح داده اند چیز تازه ای نیست و همانست که ما میدانستیم و مطلع بودیم که البته ارسال فکری از مغز من بمغز شخصی که بخواب مغناطیسی فرو رفته و از مغز او بعالم ارواح مشکل است و محتاج طول مدت و صبر و شکیبائی میباشد و همین طور فرستادن فکری از عالم ارواح بمغز کسی که بخواب مغناطیسی فرو رفته و از مغز او بمغز شخص دیگر که از او سؤال مینماید مشکل میباشد.

از آن گذشته این توضیح که ارواح میدهند در حقیقت توضیحی است که ما یعنی شعور باطنی ما بدون اراده ما میدهد و گرنه اموات که همواره با تزلزل و تمجمج و لکنت زبان صحبت میکردند یکمرتبه اینطور فصیح و بلیغ نمیشدند که این جمله طولانی را بدون وقفه و تزلزل و تمجمج بیان نمایند.

بدلیل اینکه اگر در مورد علت مرگ آن کودک دهساله اشخاص زنده از علت مرگ او اطلاع نداشتند در عوض در این مورد که مسئله «علل کندی انتقال فکر از عالم ارواح بزمین» در بین میباشد همه کس و حتی «دریتون طوماس» و میانجی او میدانند که علت بطوء ارسال پیام چیست و بعبارت دیگر در این مورد «دریتون طوماس» بخیال اینکه از ارواح سؤال میکند سئوالی از شعور باطنی خودش کرده و شعور باطنی او نیز از دهان میانجی جواب او را داده است.

www.KetabFarsi.com

شاید قرن‌ها بگذرد و در کره خاک متفکری مانند

متر لینگ بوجود نیاید.

انشتین

اگر بگوئیم متر لینگ بمنزله سقراط عصر حاضر است

سقراط را خیلی بزرگ و متر لینگ را کوچک کرده‌ایم.

برکسون

در مغز و قلب متر لینگ خداوندی چنان بزرگ و لایزال

وجود دارد که از آغاز پیدایش بشر یک چنین خدای بزرگ

و توانا بفکر هیچ متفکری نرسیده است.

پرفس دو بروگلی

تاریخ ۱۳۵۹

اشارات انشتین